

## جنگ کریدورها؛ از قره باغ تا عراق و شام



ترکیه تلاش می کند در قرن آسیا، سهم بیشتری در کریدورهای منطقه داشته و به طراحی کریدورهای رقابتی تر در قیاس با ایران بپردازد. ترکیه ای که رهبران آن زمانی در پاسخ به کمک خواهی مردم مسلمان و شیعه آذربایجان اختلاف دینی و زبانی را به عنوان دلیل عدم همراهی با آنها در مقابله با اشغالگران روس و ارمنی مطرح می کردند، امروز در چرخشی راهبردی چشم از آذربایجان بر نمی دارند.

آران نیوز - همزمان با نزدیک شدن قرن آسیا و شکل گرفتن شاه راه های تجارت جهانی مانند «جاده ابریشم» و «یک کمربند- یک جاده»، رقابتی سخت برای سهم خواهی در صید منافع این قرن جدید شکل گرفته و آزادی جنوب قره باغ و حمله داعش به سوریه و عراق نشانه هایی از این جنگ پنهان در دو وجه متفاوت بود، یکی برای گشودن و دیگری برای بستن.

### آغاز قرن آسیا و نیاز به کریدورهای جدید

امروزه چین بزرگترین صادر کننده جهان بوده و ده بندر بزرگ جهان مانند بندر «شانگهای» با 40 میلیون کانتینر ظرفیت و بند «سنگاپور» 33 میلیون کانتینر ظرفیت، در آسیا قرار دارد، کشورهای آسیایی بهتر از کشورهای غربی توانسته اند همه گیری کرونا را مدیریت کنند که منجر به رشد اقتصادی و صادرات بیشتر کشورهای آسیایی خواهد شد و انگلیس دیگر عضو اتحادیه اروپا نیست و ردپای روباه پیر را می توان در مناطق مختلف آسیا مشاهده کرد، گویا زوتر از سایر غربی ها به این نکته پی برده است. صدای قدم های شگفتی ساز قرن آسیا با سهم بیش از 60 درصد از اقتصاد و دوسوم جمعیت جهان شنیده می شود و در این میان دو کریدور بسیار مهم بین المللی در حال شکل گیری بوده و ایران کشور مهمی است که در مسیر هر دو کریدور یعنی «جاده ابریشم» و «یک کمربند-یک جاده» قرار دارد.

### ترکیه رقیب جدی ایران

ترکیه به عنوان رقیب جدی ایران و با اقتصادی متلاطم، تلاش می کند در قرن آسیا، بیشترین فرصت ها را صید کرده و در کریدورهای منطقه سهم بیشتری داشته باشد و برای رقابت با ایران ناچار است به ایجاد کریدورهای رقابتی تر در قیاس با ایران بپردازد. در این نگاه می توان درک بهتری از تلاش های ترکیه در آذربایجان پیدا کرد، ترکیه ای که رهبران آن زمانی در پاسخ به کمک خواهی مردم مسلمان و شیعه آذربایجان (سالهای سخت 1990 که تانک های شوروی، آذربایجان را به خاک و خون کشیدند)، اختلاف دینی و زبانی را به عنوان دلیل عدم همراهی با آنها در مقابله با اشغالگران روس و ارمنی مطرح می کردند و برای نمونه می توان به جملات "تورگوت اوزال" اشاره کرد که در آن برهه گفته بود: " آنان شیعه هستند و ما سنی، آنها به ایران نزدیکتر هستند"، جمله ای که در آن تاریخ موجب خوشنودی روس ها شد.

حال پس از چرخش راهبردی ترکیه جهت جذب منافع حداکثری اقتصادی در قفقاز جنوبی، هیچ بعید نیست این کشور مباحثی چون اتحاد جهان ترک و سنی سازی آذربایجان را نیز به عنوان متممی به استراتژی های جدید خود در قفقاز اضافه کند و یا اینکه صداهایی در تکفیر شاه اسماعیل صفوی بشنویم.

ترکیه رقابت پیچیده و طمع کارانه ی دیگری را نیز برای مهار و ذخیره آب مورد نیاز همسایگان در پشت سد های پر شمار و عظیم خود تدارک دیده است و پروژه سدسازی ترکیه موسوم به "گاپ"، کشاورزی، امنیت غذایی، کیفیت هوای آزاد و محیط زیست کشورهای سوریه، عراق، ایران و حتی بخشهایی از آذربایجان را نیز به چالش کشیده است.

### جنگ کریدورها

جنگ سرد کریدورها مدت هاست آغاز شده و کشورهایی که توانسته اند نشانه های آن را معنی یابی و تفسیر کنند در حال مقدمه چینی و گاه اقدام در راستای رقابت در این میدان پیچیده هستند؛ ناگهان بخش هایی از خاک اشغال شده آذربایجان که در مسیر یک کریدور احتمالی و ویژه قرار دارد، با اولویت منطقه هم مرز با ایران، که در امتداد مسیر قدیمی جنوب ارمنستان و نخجوان تا مرز ترکیه قرار دارد آزاد میشود و مدام از مسیر زنگزور که حلقه گم شده ای در میان کریدور چین تا ایتالیا است، نام برده می شود.

شاید در سالهای اخیر، ساکنان شرق مدیترانه راحت تر بتوانند دلائل ارسال تروریست هایی چون داعش به سوریه و عراق را درک کنند، تروریست هایی که آمده بودند در کنار اجرای پروژه های اسلام هراسی غرب و بویژه آمریکا، کریدور بالقوه ای که از مسیر چین، افغانستان، تهران، عراق، سوریه عبور کرده و به مدیترانه ختم می شد را به بن بست بکشاند و حال که در عراق و سوریه مهار شده اند، دلار های غربی و عبری و عربی شاید این بار افغانستان را برای بستن بخش دیگری از این کریدور به آتش بکشند و برخلاف برخی دیدگاه ها، کارفرمایان غربی تروریست های مزدور، تنها اسلام و ایران را نشانه نرفته و بلکه آنها اهدافی چون ایجاد خلل در رشد اقتصادی آسیا و دسترسی ترانزیتی شرق به غرب را نیز هدف قرار داده اند و مقابله با شکوفایی اقتصادی آسیا، با تاکید بر چین، هدف اصلی آنها به شمار می رود و باید دید چین چگونه شاه راه های تجارت جهانی خود به غرب را باز نگه داشته و توسعه خواهد داد. آیا ازدهای شرق برای مقابله با راهبردهای انحصار طلبانه غرب طرحی عملیاتی روی میز دارد؟

چراغ سبزی که الهام علیف و پاشینیان را نیز غافلگیر کرد!

روسیه، چند روز قبل از آغاز جنگ 44 روزه قره باغ به جمهوری آذربایجان این پیام را ارسال کرد که از استرداد پنج منطقه اشغالی توسط ارمنستان به آذربایجان حمایت می کند. در خصوص چرایی چراغ سبز روسیه برای آزادی جنوب قره باغ می توان به منافع متقابل اقتصادی ترکیه و روسیه ناشی از اتصال قفقاز از طریق مدیترانه به اروپا، اخراج اعضای گروه مینسک از قفقاز جنوبی، حضور مجوز دار 2000 صلح بان روسی در ارتفاعات استراتژیک قره باغ، کنترل مسیر راهبردی عبور نفت و گاز طبیعی در شمال قره باغ و احتمالاً در جنوب آن در آینده نزدیک، جلب حمایت چین و راه اندازی کریدورهای جدید و آینده ساز بین المللی و همکاری با ترکیه در راستای کاهش ارزش و اهمیت ایجاد هاب انرژی جهان در سرزمین های اشغالی اشاره نمود و ناگفته نماند روسیه و ترکیه، با وجودی که پتانسیل درگیری پنهان دارند ولی حفاظت از منافع گره خورده فی ما بین، آنها را از هرگونه درگیری منع می کند و حتی درگیری و خسارت های سهوی نیز با یک عذر خواهی رسمی نادیده گرفته میشوند.

آنچه مسلم است با توجه به تعدد امکانات و جمعیت بالای جمهوری آذربایجان در مقایسه با امکانات محدود، اقتصاد بحران زده و جمعیت سه میلیونی ارمنستان که بیشتر آنها نیز به سایر کشورها مهاجرت کرده اند؛ پیروزی در جنگ قره باغ می توانست، سالها پیش اتفاق بیافتد و در واقع مانع اصلی این تاخیر، توان نظامی باکو نبود.

پس از انقلاب مخملی گرجستان و شکل گرفتن جریان های ضد روسی در این کشور، وضعیت دولت آذربایجان نیز بخصوص در ماه ها و روزهای قبل از جنگ دوم قره باغ، نامناسب و بسیار شکننده بود و در کنار نارضایتی مردم از مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در تیر ماه 1399 مطالبات مردمی در راستای آزادی قره باغ نیز به اوج رسیده و منجر به اجتماعات گسترده ای در باکو گردید و ناگفته نماند شخص الهام علیف که گمان نمی کرد به این زودی ها با چراغ سبز روسیه مواجه شود با لحن کنایه آمیزی در خصوص تجمعات گسترده معترضان گفت: "هزاران نفر در خیابانها شعار میدهند اما فقط 150 نفر حاضر به ثبت نام جهت حضور در جبهه های جنگ با ارمنستان هستند"، اما روسیه که شدت گرفتن غربگرایی در ارمنستان و سرنوشت مشابه گرجستان را در آذربایجان پیش بینی کرده بود، با صدور مجوز غیر مستقیم و غافلگیر کننده آزادی بخش هایی از خاک آذربایجان، وضعیت پیش آمده را کنترل نمود و در نتیجه موضع روسیه در قفقاز تقویت، مخالفان و معترضان در آذربایجان آرام و دولت ارمنستان تنبیه شد.

در این راستا ترکیه نیز که مترصد فرصتی جدید برای سهم خواهی در کریدورهای بین المللی جدید در آستانه قرن آسیا بود به عنوان کاتالیزور عملیات آزادی سرزمین های اشغالی آذربایجان عمل کرد و زمان آزادی این سرزمین ها را از چندین ماه به 44 روز تقلیل داد که موجب غافلگیری دیگری در میان کارشناسان قفقاز شد و رژیم صهیونیستی نیز با اجرای حرکات نمایشی، ارسال تجهیزات نظامی، وعده های سر خرمن و توزیع و نمایش پرچم های رژیم جعلی خود در آذربایجان، تلاش کرد با بهره برداری از فرصت طلایی و البته رایگان به دست آمده، از غافله نفوذ و سهم خواهی عقب نماند!

#### نفوذ رژیم صهیونیستی در آذربایجان

حضور و نفوذ بیش از 20 ساله رژیم صهیونیستی در آذربایجان غیر از سه امتیاز و دلیل هم مرزی با ایران، حفظ معاملات انرژی محور با باکو و یا کشت فراسرزمینی به علت بحران آب در سرزمین های اشغالی می تواند دلیل مهم و چهارمی نیز داشته باشد و آن دور نبودن از کریدور احتمالی و حضور در مسیر هاب انرژی در حال تاسیس مطابق میل ترکیه در قفقاز و آناتولی است، هابی که می تواند رویای تبدیل شدن سرزمین های اشغالی به هاب مهم جهان را آشفته نماید و رژیم صهیونیستی در یک سال گذشته عملاً درگیر تلاش هایی پیچیده برای نفوذ و اثرگذاری در تصمیم های مهم از قفقاز تا مدیترانه شرقی بوده است.

#### جمهوری اسلامی ایران در مساله قره باغ

آنچه مسلم است جمهوری اسلامی ایران از لحظه استقلال جمهوری آذربایجان در کنار مردم مسلمان این کشور قرار گرفته و از ابتدای جنگ اول قره باغ، به گواهی اسناد، شاهدان عینی و اعتراف دوست و دشمن به حمایت از تمامیت ارضی آن پرداخت و حمایت های مادی و معنوی خود را شامل شیعیان شمال ارس نمود. اما ایران هراسی و اسلام هراسی القاء شده از طرف غرب و نیز ریشه ها و اشتراکات این کشور اسلامی با جمهوری اسلامی ایران باعث شد کم کم دولت مردان آذربایجان با دیده تردید و اهامه به مرزهای جنوبی خود نگاه کنند.

در داخل ایران نیز برخی کج فهمی ها، اظهار نظرهای غیر رسمی و مشکوک و عدم نگاه راهبردی و بلند مدت به قفقاز، باعث شد این جغرافیا و بخصوص آذربایجان از توجه افکار عمومی و رسانه های ایران دور بماند.

رقابت روسیه با ایران در قفقاز (به عنوان حیات خلوت این کشور) و اهامه باکو از نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران و نجابت منبعث از علایق شیعی تهران در عدم اعمال قدرت و دفاع از منافع خود در قفقاز موجب شد، آزادی بخش هایی از خاک آذربایجان، به عنوان نقطه پیروزی روسیه، ترکیه، رژیم صهیونیستی و حتی پاکستان تلقی شده و جمهوری اسلامی ایران تنها به عنوان ناظری ایستاده در کنار ارس به نظر برسد.

در حالی که سفر سرلشکر باقری در اواخر سال 1397 به باکو و بیان اراده قطعی ایران مبنی بر لزوم آزادی اراضی اشغالی جمهوری آذربایجان، سخنان حمایتی مقام معظم رهبری در ۱۷ ربیع سال گذشته در خلال جنگ قره باغ و قبل از آزادی شوشا و نیز کمک های تسلیحاتی ایران به جمهوری آذربایجان در همین جنگ، از جمله زمینه های پیروزی مردم مسلمان آذربایجان

محسوب می گردد که متاسفانه در مهندسی رسانه ای صحنه جنگ نادیده گرفته شد.

امیرثابت / کارشناس مسائل قفقاز